

دیدگاه

لیبی در چنگال تعارض بین المللی

جواد قربانی

■ هنگامی که در اواخر سال گذشته میلادی بهار عربی در تونس آغاز شد، با اینکه بسیاری از تحلیلگران این احتمال را می‌دادند که موج اعتراضات مردمی به سایر کشورهای عرب منطقه نیز سرایت کند، هرگز کسی فکر نمی‌کرد که این اعتراضات تا این حد عمیق و سریع در سراسر جهان عرب گسترده شود و به صورت بحران بین‌المللی جلوه کند. بن علی در تونس و مبارک در مصر به سرعت از قدرت ساقط شدند رویدادی که موجب افزایش روحیه و امید مخالفان در سایر کشورهای عربی شد. روند سریع و اعجاب‌انگیز تحولات در منطقه، هراسی بزرگ در بسیاری از محافل سیاسی و اقتصادی جهان ایجاد کرد. سران مستبد سایر کشورهای عربی از آینده سیاسی و سایرین از به خطر افتادن منافع سیاسی و اقتصادی خود به وحشت افتادند. اما وقایع اخیر منطقه، آوردگاهی برای به چالش کشیدن شعارهای انسان دوستانه غرب نیز بوده است؛ در حالی که غرب همواره فریاد دفاع از حقوق بشر و دموکراسی در جهان سر داده است، آنچه در عمل مشاهده شد، سیاست‌های دوگانه‌ای بوده است که اثبات می‌کند، منافع سیاسی و اقتصادی این کشورها بسیار مهم‌تر از هر گونه دفاع از حقوق بشر و دموکراسی خواهی در بین آنهاست.

اوج این دوگانگی را نیز می‌توان در قیاس عملکرد ایشان در مورد لیبی، بحرین و یمن دید، در حالی که در یمن و بحرین موضعی منفعلانه را پیش گرفتند، دست عربستان را برای دخالت نظامی در بحرین باز گذاشتند و به علی عبدالله صالح رییس‌جمهور یمن تنها توصیه کردند که اصلاحاتی انجام دهد بدون آنکه حتی یک بار از او خواسته شود که از قدرت کناره‌گیری کند، در لیبی به پنهان حفظ جان غیرنظامیان به دخالت مستقیم نظامی مبادرت کردند. اما آیا واقعا هدف تنها حفظ جان غیرنظامیان بود؟ در شرایطی که پس از تصویب قطعنامه شورای امنیت برای ایجاد منطقه پرواز ممنوع بر فراز آسمان لیبی و آغاز عملیات ناتو، مخالفان قذافی موفق شدند یک به یک شهرها را باز پس بگیرند و تا یک قدمی فتح سرت نیز پیش روند به یک‌باره ورق برگشت. طرفداران قذافی نه تنها سرت را حفظ کردند بلکه مجدداً راس لانوف را اشغال کردند و مخالفان را به بیرون از شهر برده عقب راندند؛ بریقه چند یار بین دو طرف دست به دست‌شد و جنگ زمینی به بن‌بست رسید.

این نکته بسیار حائزاهمیت است که قطعنامه شورای امنیت در شرایطی به تصویب رسید که مدت‌ها از سرکوب مردم لیبی می‌گذشت و قذافی به پشت دروازه‌های بنغازی رسیده بود. از طرف دیگر زمانی که مخالفان در پناه کمک‌های ناتو موفق شدند که شهر به شهر پیش‌روی کنند و به یک قدمی فتح سرت برسند به یک‌باره ورق برگشت و نیروهای وفادار به قذافی موفق شدند مخالفان را به عقب برانند تا جایی که جنگ در بریقه به بن‌بست رسید. اما چرا اقتدر دیر اقدام شد و چرا در شرایطی که به نظر می‌رسید کار قذافی تمام شده است جنگ به بن‌بست رسید و جالب‌تر از همه اینکه در های دیپلماتیک مجدداً به روی قذافی باز شد؟ به نظر می‌رسد پاسخ را باید جایی دروتر از بریقه جست‌وجو کرد. اگر مخالفان در لیبی با کمک ناتو موفق به سادگی قذافی را سرنگون کنند، غرب با معظلی بزرگ روبرو می‌شود؛ ادامه انقلاب‌ها در سایر کشورهای عربی که برخی از آنها نظیر کشورهای حاشیه خلیج‌فارس و مخصوصاً عربستان امنیتی حیاتی برای آنها دارند، آن‌وقت این مسوولیت در برابر آنها قرار می‌گرفت که همان سیاست را در مورد سایر کشورها در پیش گیرند. بنابر این لیبی موقعیتی مناسب بود تا با دخالت در بحران آن، روند این تحولات متوقف یا تا حد امکان کند شود. پس از آغاز عملیات نظامی ابتدا بحث فرماندهی عملیات شدت گرفت، سپس اختلاف نظر در مورد نحوه هماهنگی و اجرای عملیات و اینکه آیا باید مخالفان تسلیح شوند یا نه به میان آمد؛ از همه جالب‌تر چندین بار هدف قرار دادن مخالفان قذافی توسط نیروهای ائتلاف بود که موجب ایجاد تلفات و وحشت در میان ایشان شد. در واقع غرب با اتخاذ سیاست‌ها و استراتژی‌هایی که بتواند جنگ را در لیبی هر چه طولانی‌تر کند سعی در افزایش هزینه‌های انقلاب برای مخالفان و مردم داشته است. قذافی نیز که به نظر می‌رسد با شعار «لیبی یا باید با من وجود داشته باشد یا اصلاً نباید وجود داشته باشد.» به پیش می‌رود، هر چه بیشتر به این سیاست کمک می‌کند. پس پیامی که اکنون از لیبی برای مردم در سایر کشورها مخابره می‌شود، تنها ترس از عواقب انقلاب است نه آینده‌ای روشن در کشوری دموکراتیک و آزاد. تاسد، تاسد! بار اینکه پهای جاه‌طلبی قذافی و تلاش برای حفظ منافع قدرت‌های بزرگ را مردم لیبی باید با خون خود و نابودی داشته‌هایشان بدهند. چنانکه گفته می‌شود مصراته در شرف نابودی کامل است.

اما غرب و خصوصاً آمریکا با وجودی که سعی کرده‌اند از تجربه انقلاب اسلامی ایران درس بیاموزند و در موارد مصر و تونس با اعمال فشار برای کناره‌گیری روسای جمهورشان را رادیکال شدن انقلاب جلو‌گیری کنند، اما همچنان در اشتباه تاریخی مقابله با خواست مردم کشورهای کوچک در جهت حفظ منافع کارتل‌ها و لابی‌های خود به سر می‌زنند. ولی نکته‌ای که ایشان فراموش کرده‌اند این است که در برابر اراده ملت‌ها نمی‌توان زمانی طولانی مقاومت کرد. شاید امروز بتوان روند انقلاب‌ها را به پهای خون مردم لیبی کند کرد، اما نمی‌توان در برابر خواست مردمی که بوی آزادی را استشمام کرده‌اند تابد ایستاد. امروز دیگر مسیر تاریخ را ملت‌ها تعیین می‌کنند نه دست‌های پیدا و پنهانی که خون‌انسان‌ها بر آن خشکیده است.

شرق: روز شنبه، هزاران زن در صنعا و دیگر شهرهای یمن تظاهرات کردند. علی عبدالله صالح، از مخالفان خواسته بود براساس آنچه او «شریعت اسلامی» می‌نامید از اختلاط زن و مرد در تجمعات اعتراضی که به قصد سرنگونی خودش برگزار می‌شود، جلوگیری کنند. این اظهارات خشم زنان را برانگیخت. زنان که بسیاری از آنان حجاب اسلامی دارند و صورت‌های خود را می‌پوشانند، می‌گویند نقش آنها در اعتراضات، به گوش رساندن ندای دینی است که به رییس‌جمهوری می‌گوید پا را از حد خودش فراتر نگذارد و این را با سه ماه تظاهرات و با خواست کناره‌گیری صالح نشان دادند. سامیا الاقباری، یکی از رهبران جنبش می‌گوید: «به نظر می‌رسد همه تلاش‌های امنیتی و عشیره‌ای صالح برای شکست دادن معترضان و کسانی که قصد دارند سرنگونی کنند، شکست خورده و حالا به مذهب متوسل شده است، به ویژه پس از آنکه می‌بینند زنان بخش مهمی از اعتراضات هستند» صالح که هشدار داده است در صورتی‌که پیش از سامان دادن یک تغییر و تحول منظم بر کنار شود، یمن در خطر جنگ داخلی و تجزیه قرار می‌گیرد، هفته گذشته، اپوزیسیون را دعوت کرد در امتناع خود در مذاکره با دولت برای حل بحران، تجدید نظر کنند. رییس‌جمهوری یمن در عین حال با لحنی تهدیدآمیز، مخالفان را دروغگو و دزد خطاب کرد و با انتقاد از اختلاط زنان و مردان بیگانه با هم در تظاهرات صنعا، تلاش کرد از احساسات مذهبی مردم سوءاستفاده کند. این تلاش اما چندان کامیاب نبود. روز شنبه، نزدیک به پنج هزار زن در صنعا و همین تعداد در شهر صنعتی تایز – در جنوب پایتخت- علیه عبدالله صالح تظاهرات کردند. اعتراضات علیه سه دهه حکومت صالح توسط ائتلاف اصلی مخالفان که شامل چپ‌گرایان هم می‌شود ولی بزرگ‌ترین بخش آن را حزب اسلامی «اصلاح» تشکیل می‌دهد، حمایت می‌شود.

زنان در پاسخ به سخنان صالح فریاد می‌زدند: «آه، جوانان، بـه عـرت زـنـان تو هـین شـده اسـت.» برخی از زنان دختران کوچک‌شان را با خود به تظاهرات آوردند. یکی از آنها دخـتر کوچکی اسـت که صـورت خود را با نقـش پرچـم یمن نقاشی کرده و روی پیشانی خود –خطاب به صالح– نوشته: «برو، برو». یکی از معترضان می‌گوید «اگر صالح به قرآن اعتقاد داشت هرگز چنین تهمیتی نمی‌زد، او باید برای این حرفش طبق قوانین اسلامی محاکمه شود.»

نماد زنانه جنبش

با وجود آنکه جامعه یمن در نگاه نخست به شدت سنتی و قبیله‌ای به نظر می‌رسد، زنان این کشور نقش بسیار پررنگی در آغاز و تداوم اعتراضات مردمی علیه حکومت علی عبدالله صالح دارن. یکی از چهره‌های فعال و شناخته شده جنبش زنان یمن، خانم «توکل کرمان» است. این استاد دانشگاه نخستین جرقه را به انبار باروت نارضایتی مردم زد. او با الهام از ناآرامی‌های تونس، دو تجمع اعتراضی در دانشگاه، صنعا برگزار کرد. این تجمع‌ها، نخستین نشانه‌اتحاد علی مردم علیه حکومت بود. در این تجمع‌های اعتراضی، برای نخستین بار در یمن از رهبران کشورهای عربی انتقاد شد و حاضران خواهان

سرنگونی دولت علی عبدالله صالح، رییس‌جمهور این کشور شدند. پس از این تجمع، خانم توکل کرمان که عضو حزب اسلام‌گرای اصلاح است، به دستور دادستانی یمن بازداشت شد. در واکنش به

بازداشت خانم کرمان، صدها نفر در برابر دانشگاه صنعا، گرد هم آمده و خواهان آزادی او شدند. روزنامه‌نگاران یمنی هم در جمعی خواهان آزادی خانم کرمان و دیگر زندانیان سیاسی در این کشور شدند. دولت یمن سرانجام زیر فشار مردم ناگزیر شد توکل کرمان را از زندان آزاد کند. خانم کرمان، رهبری گروه «روزنامه‌نگاران بدون زنجیر» را

عربستان سعودی و متحدان غربی لیبی می‌ترسند بن‌بست طولانی مدت در یمن، سستی‌ها را میان رقبای نظامی شعله‌ور سازد و هرج و مرج حاصل از آن به نفع جناح فعال القاعده در شبه جزیره عربستان تمام شود.

وزیران امور خارجه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج‌فارس، علی عبدالله‌صالح و مخالفان را به گفت‌وگو درباره چگونگی انتقال قدرت دعوت کردند که با شرط صالح، مبنی بر عدم تعقیب و محاکمه خود و خانواده‌اش متوقف شد. این در حالی است که

جهان

انقلاب یمن فقط «مردانه» نیست

زنان علیه دیکتاتوری صالح



عکس AP

یکشنبه گذشته، شورای همکاری خلیج‌فارس قول مصونیت از تعقیب و محاکمه در صورت کناره‌گیری از قدرت را به صالح داد و او پذیرفت. صالح پیشنهاد کرد امسال انتخابات برگزار شود، ولی می‌گوید تا آن‌وقت باید در قدرت باقی بماند

و بر تغییرات نظارت داشته باشد تا قدرت را آن‌طور که خود می‌گوید به «دستانی امن» واگذار کند. رهبران مخالفان می‌گویند که هیأتی به ریاست وزیر خارجه سابق که اکنون سیاست‌مدار مخالف است، برای تشریح موضع خود درباره پیشنهاد شورای همکاری خلیج‌فارس، به عربستان می‌فرستند.

ائتلاف مخالفان، ابتدا با مذاکرات ریاض مخالف بود، زیرا تمام توان خود را روی برکنار کردن صالح طی دو هفته متمرکز کرده بود، درحالی‌که پیشنهاد شورای همکاری خلیج‌فارس، تحولی با این شتاب را شامل نمی‌شد.

از ژانویه گذشته، بیش از ۱۶ معترض در درگیری با نیروهای امنیتی یمن کشته شدند و این‌واهمه وجود دارد که خشونت در کشور تشدید شود؛ نیمی از جمعیت ۲۳ میلیون نفری یمن، مسلح هستند. یک افسر محلی می‌گوید: هفته گذشته، مردان مسلح قصد

داشتند که ایستگاه پلیس در جنوب عدن را تصرف کنند و سپس با نیروهای امنیتی بجنگند. همچنین مقامات محلی می‌گویند معترضان در شهر عدن سعی کردند برای پشتیبانی از فراخوان اعتصاب ترافیک شهر را مختل کنند، اما گشت‌های امنیتی موانع موفق را جمع می‌کردند. بیشتر مغازه‌ها تعطیل شده بود. در استان جنوبی ابیان که هم‌زمان القاعده و جدایی‌طلبان جنوب فعالیت می‌کنند، یک مرد مسلح بی‌دلیل به سربازی شلیک کرد، مقامات محلی القاعده را مسوول می‌دانند. افراد مسلح در استان جنوبی «لاهج»، به گشت‌های امنیتی حمله کردند و در حمله جدایی‌طلبان، دو سرباز زخمی شدند. جمعه هفته گذشته، افراد مسلح در استان «امران» در شمال صنعا به یک زندان حمله کردند. در این حمله سه زندان‌بان کشته شدند و ۲۰ زندانی محکوم به مرگ فراری داده شدند. یک مقام محلی می‌گوید: همه فراری‌ها جز یکی از آنها که به جرم کشتن یک یهودی از سال ۲۰۰۸ زندانی بوده است، دوباره بازداشت شده‌اند.

گفتنی است علی عبدالله‌صالح که از سه دهه پیش به این طرف قدرت را در یمن در دست دارد، حتی پیش از آغاز اعتراضات، با عبرت گرفتن از سرنگونی رهبران مصر و تونس، تلاش می‌کرد شورش جدایی‌طلبان در جنوب را فرونشاند و با انقلابیون شیعه در شمال آتش‌بس اعلام کند. دولت مرکزی یمن اکنون کنترل بسیاری از بخش‌های کشور را از دست داده است.

منبع: رویترز

یادداشت

انقلاب در عراق رخ نمی‌دهد



ناظم عمر دباغ

■ پنج سال پیش، برآورد کرده بودم که عراق پس از صدام حسین به ۱۰ سال زمان نیاز دارد تا به ثبات، آرامش و صلح پایدار دست یابد. متأسفانه تا این لحظه، ترجیح منافع حزبی و شخصی بر منافع ملی، کماکان به‌عنوان مهم‌ترین مانع دستیابی کشور به این مهم، پابرجاست. این مشکل را می‌توان در رویدادهای روزمره‌ای که در عراق رخ می‌دهد و خبرهای آن در رسانه‌های جهان منتشر می‌شود، به روشنی مشاهده کرد.

مهم‌ترین نمونه بروز مشکل یادشده، تاخیر هفت‌ماهه در تشکیل دولت عراق پس از آخرین انتخابات پارلمانی بود. متأسفانه این شرایط، کم و بیش همچنان ادامه دارد به‌گونه‌ای که وزیران وزارتخانه‌های مهمی مانند دفاع، کشور، امنیت و برنامه‌ریزی هنوز تعیین نشده‌اند.

هنگامی که از مسایل امنیتی عراق صحبت می‌شود، هر حزب یا گروه می‌خواهد رهبری اجرای قوانین و ایجاد آرامش را راساً به عهده بگیرد و معتقد است، نامزد موردنظرش از همه نامزدهای دیگر بهتر و کارآمدتر است. به نظر من تا زمانی که یک پارلمان قوی که تصمیمات خود را تنها براساس منافع ملی اتخاذ می‌کند در عراق به‌وجود نیاید، این مشکل حل نخواهد شد.

اکنون زمان زیادی به پایان پیش‌بینی قبل من باقی نمانده است. آرزو می‌کنم در دو سال آینده روز به روز از مشکلات یادشده کاسته شود و دیگر با این قبیل نابسامانی‌ها روبه‌رو نباشیم. تحقق این مهم البته جز از راه برتری دادن منافع ملی بر مقاصد قومی و حزبی، میسر نخواهد شد. در عراق امروز، نهادهای دموکراتیک تا حدی شکل گرفته‌اند اما این نهاده‌ها هنوز به قدرت و توانایی لازم دست پیدا نکرده‌اند. با این همه من همچنان به آینده عراق و قوام نهادهای دموکراتیک آن خوش‌بین هستم. بسیاری از ناظران معتقدند که بازسازی عراق با کندی پیش می‌رود اما به اعتقاد من علت اصلی تاخیر یادشده این است که ما بعد از سرنگونی صدام ویرانه‌ای را تحویل گرفتیم؛ کشوری که همه زیرساخت‌های اساسی آن، از آب لوله‌کشی و برق گرفته تا کارخانه‌ها، دچار ویرانی شده بود.



با سرعتی حیرت‌انگیز پیشرفت می‌کند. این امر نیز به نوبه خود شکاف موجود میان کشور ما و دیگر کشورهای جهان و حتی منطقه را ژرف‌تر می‌نماید.

همه آنچه گفته شد باعث بروز ناراضایتی میان بخش‌هایی از مردم شده که به شکل تظاهرات خیابانی خود را نشان می‌دهد. بـسا این همه دولت عراق و شخص آقای نوری المالکی همه توان خود را برای رفع مشکلات در کوتاه‌ترین زمان ممکن، بسیج کرده‌اند.

باوجود اینکه پس از آغاز انقلاب‌های مردمی در خاورمیانه، برخی شهرهای عراق نیز شاهد تظاهرات پراکننده بودند، همگان بسر این نکته هم‌نظر هستند که تظاهرات عراقی‌ها از بیخ و بن با تظاهرات مردم تونس، مصر، کویت، عربستان و بحرین و سایر کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا متفاوت است. دلیل اصلی این تفاوت نوع و نحوه متفاوت شکل‌گیری حکومت عراق با دیگر کشورهای خاورمیانه برمی‌گردد.

عراق امروز، کشوری دموکراتیک و برخوردار از دموکراسی پارلمانی است. کشور ما با وجود همه مشکلات، با ساختاری تکثرگرا برخوردار است. در عراق امروز مانند دوره حکومت صدام حسین هیچ‌کس نمی‌تواند با برگزاری انتخابات فرمایشی، ۹۹ درصد رای بیابورد و سایر شخصیت‌ها و گروه‌ها را از چرخه قدرت حذف کند. دولت کنونی عراق، یک دولت چندحزبی است که همه مذهب و قومیت‌ها، از کردها و شیعیان گرفته تا سنی‌ها، در آن سهم و شریک هستند.

شاید بتوان درخواست‌ها و شعارهای مشترکی میان مردم عراق و سایر کشورهای منطقه پیدا کرد اما اهداف آنها با یکدیگر متفاوت است. هر چند فساد اداری در عراق نیز وجود دارد اما میزان این فساد بی‌شک از فساد موجود در ساختار سیاسی کشورهایی مانند مصر و تونس کمتر است. دولت‌های مصر، تونس و لیبی بیش از سه دهه پیش با کودتا بر سر کار آمد بودند اما در عراق پس از سرنگونی صدام با وجود ادامه نامنی، انتخابات پارلمانی کاملاً آزاد برگزار شد. مردم عراق خواستار سرنگونی نظام سیاسی نیستند بلکه مطالبه اصلی آنها مبارزه با فساد و افزایش کارآمدی دستگاه دولتی است.

■ **نماینده رییس‌جمهوری عراق در تهران**



عکس Getty Images

منبع:المشاهد السیاسی